

# Die Fahrt zur Loreley ist wunderschön

## سفر به لورلای بسیار زیبا است.

مروری بر مطالب این درس

در این درس آخر این بخش قاعده دستوری جدیدی مطرح نشده است. اطلاعات و شرحی کلی درباره "لورلای":

بین دو شهر کوچک آلمان به نامهای Oberwesel و St. Goar در سمت راست کرانه رود راین صخره ای سر بهوا کشیده که ارتفاع آن ۱۳۲ متر است. این قسمت رود راین تنداب و نسبتاً خطرناک، و در عین حال صدای برخورد جریان خروشان آب با صخره های ساحل مجذوب کننده است. پس این محل کیفیت و حالتی خاص دارد که در سراسر طول رودخانه راین بی نظیر است و باینجهت جای تعجب نیست که افسانه هائی درباره آن بوجود آمده باشد.

در افسانه های ملی آلمان آمده است که در قرون وسطی در غاری که در صخره "لورلای" وجود دارد گنج نیبلونگن یعنی قهرمانهای داستان حماسی معروف پنهان بوده و اجنه و پریان از آن محافظت میکردند.

در قرن نوزدهم میلادی شاعر آلمانی Clemens von Brentano افسانه دیگری برای این صخره ساخت. مشعر بر اینکه زن جادوگری بنام Lore Lay بر روی آن نشسته بوده است. شاعر معروف آلمانی "هاینریش هاینه" کمی بعد از "فون برنتانو" شعری درباره لورلای سرود با این مطلع: "میدانم معنی آن چیست"، ولی این شعر بزودی از خاطره ها محو شد. معهذاً از آن بعد این افسانه جنبه ملی پیدا کرد و شاخ و برگهایی به آن افزوده شد. منیچمله اینکه این غار که در نزدیکی شهر "کلن" هم هست خانه و مامن کوتوله ها یا اجنه خدمتگزار و مهربان شهر کلن بوده است.

### طرز بیان منظور

Hast du das gewußt?  
Haben Sie das gewußt?

وقتی میخواهید از کسی بپرسید که آیا از موضوعی اطلاع داشته است؟

Ich habe dich etwas gefragt!  
Ich habe Sie etwas gefragt!

وقتی از کسی چیزی پرسیده و جوابی دریافت نکرده اید.

آندره آس و خانم برگر و آقای دکتر تورمان و اکس در لنگرگاه کشتیها در رود راین همدیگر را دیده اند.

قصد آنها اینست که گردش یا سفری کوتاه با کشتی بکنند و رود راین هم همان رودخانه معروف و بزرگ اروپا است که از وسط شهر کلن هم میگذرد. (۱)

Andreas: Da stehen aber viele Leute.  
Dr. Thürmann: Kein Wunder, bei dem Wetter!  
Andreas: Hoffentlich bekommen wir noch Karten.  
Frau Berger: Aber sicher. (با آهی احساساتی) Ach – die Fahrt zur Loreley ist einfach wunderschön.

Ex: Loreley? Die kenne ich. (غرفه در خیالات) Sie war sehr schön.  
 Dr. Thürmann: (زیر لبی با خود) Das war doch wieder diese Stimme ... (خطاب به  
 (آندره آس) Das war doch nicht Ihre Stimme, Herr Schäfer, oder?  
 Frau Berger: O – nein! Das war seine zweite Stimme.  
 Dr. Thürmann: Woher kommt diese Stimme?  
 Frau Berger: (با لحنی کنایه آمیز) Tja, das ist das Geheimnis von Herrn Schäfer.  
 (مثل اینکه رویش به آکس باشد) Na, du Geheimnis – kennst du  
 denn auch das Lied von der Loreley?  
 Ex: Nein.  
 Frau Berger: Dann hör mal gut zu!  
 (آهنگ لورلای را میخواند)

کشتی از کنار صخره لورلای میگذرد و کشتیران افسانه لورلای را برای مسافری تعریف میکند.

Mann: Und nun sehen Sie rechts die Loreley. Sehen Sie genau auf den Felsen! Da war sie, die Loreley! Sie war wunderschön. Viele, viele Schiffer haben sie gesehen – einmal und nie wieder! Sehen Sie genau auf den Felsen. Vielleicht sehen Sie sie ja.

آندره آس میشنود که طبق افسانه ها در گذشته Heinzelmännchen یعنی کوتوله ها با جن های خانگی و مهربان شهر کلن در غار این صخره زندگی میکردند. در اینمورد از آکس سئوالهای زیاد میکند ولی جوابی نمیشنود.

Mann: In dem Felsen war früher eine Höhle. Dort waren die Heinzelmännchen zu Hause – sagt man.  
 Andreas: Ex, hast du das gewußt?  
 Ex: (سینه صاف میکند)  
 Andreas: Ex, ich habe dich etwas gefragt!  
 Ex: (باز هم تك سرفه برای طرفه رفتن از دادن جواب)  
 Andreas: Warst du da früher? Kommst du da her? Ex, kennst du die Heinzelmännchen?  
 (آکس باز جواب نمیدهد) Ex, wo bist du? Ex, ich höre dich nicht! Ex!!  
 Frau Berger: Was ist denn los? ^  
 Andreas: Ich glaube, Ex ist weg.

## Wörter und Wendungen

Kein Wunder, bei dem Wetter!  
 das Wunder  
 das Wetter  
 Aber sicher.  
 zuhören  
 der Felsen  
 die Schiffer  
 einmal und nie wieder  
 Höhle

با این هوای خوب (این امر) مایه تعجب نیست!  
 واقعه یا امر حیرت انگیز  
 هوا (شرایط یا چگونگی هوا - هوای خوب یا بد)  
 اما البته - خوب البته  
 گوش کردن - گوش دادن  
 صخره  
 کشتیرانان  
 يك بار و دیگر هیچوقت - دفعه اول و آخر  
 غار

Hast du das gewußt?  
 Kommst du da her?  
 herkommen  
 Ich höre dich nicht!  
 Alles Gute!

تو این موضوع را میدانستی  
 تو از اجا میائی؟ تو اجا بوده ای؟  
 از جایی آمدن  
 من (صدای) تو را نمیشنوم  
 برای تو آرزوی همه چیزهای خوب را دارم - موفق  
 باشی

## Übungen

1 کلمات مناسب در جمله ها قرار دهید و سپس همان کلمات را در جایی که در جدول برای آنها پیش بینی شده بنویسید.

1. Da stehen aber viele Leute.
2. Hoffentlich bekommen wir \_\_\_\_\_ Karten.
3. Aber \_\_\_\_\_ !
4. \_\_\_\_\_ Wunder! Bei dem Wetter!
5. Die \_\_\_\_\_ zur Loreley ist einfach wunderschön.
6. Sehen Sie genau auf den \_\_\_\_\_ .
7. Ex, \_\_\_\_\_ du das gewußt?
8. Die \_\_\_\_\_ hat Dr. Thürmann eingeladen.
9. Ex, ich habe dich \_\_\_\_\_ gefragt.
10. Viele \_\_\_\_\_ haben sie gesehen.
11. \_\_\_\_\_ ? Die kenne ich.
12. Das war doch wieder diese \_\_\_\_\_ .
13. Ich \_\_\_\_\_ , Ex ist weg.
14. Hör mal gut \_\_\_\_\_ !
15. Dr. Thürmann hatte einen \_\_\_\_\_ .
16. Kennst du das \_\_\_\_\_ von der ...?
17. Und nun sehen Sie \_\_\_\_\_ die ...
18. \_\_\_\_\_ und nie
19. \_\_\_\_\_
20. In dem Felsen war früher eine \_\_\_\_\_ .
21. Dort waren die Heinzelmännchen zu \_\_\_\_\_ .
22. Ex, ich höre \_\_\_\_\_ nicht!
23. Was ist \_\_\_\_\_ los?

1.	S	T	E	H	E	N
2.						
3.						
4.						
5.						
6.						
7.						
8.						
9.						
10.						
11.						
12.						
13.						
14.						
15.						
16.						
17.						
18.						
19.						
20.						
21.						
22.						
23.						

Sie machen eine \_\_\_\_\_